یادداشت

سپاه فضایی آمریکا

احمد رشیدی‌نژاد

● از جمله نگرانی‌های عمده قدرت‌های بزرگ در دهه‌های اخیر، برتری فضایی نسبت به سایر رقباست که عنوان «امنیت فضایی» به خود گرفته است؛ رقابتی که با پرتاب نخستین انسان به فضا، از سوی شوروی سابق (۱۹۶۱م) آغاز شد و دو دهه بعد (دهه ۱۹۸۰م) با طرح «جنگ ستارگان» از سوی «ریگان» رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده، به اوج خود رسید. طرحی که هدف نهایی از ارائه آن ایجاد یک سپر دفاع موشکی در سراسر فضای ایالات متحده بود که در آن با به‌کاربردن تکنولوژی‌های بسیار پیشرفته، مانند اشعه لیزر و توپ‌های الکترومغناطیس، امکان انهدام موشک‌های اتمی دشمن را در مراحل مختلف پرتاب و پرواز، فراهم می‌کرد. مقامات آمریکایی از این طرح به‌عنوان «ابتکار دفاع استراتژیک» یاد می‌کردند. هرچند چنین وانمود می‌شود که پروژه جنگ ستارگان به دلایل فناوری پیچیده و هزینه‌های گزاف، در همان سال‌های نخست کنار گذاشته شد، با این حال پیگیری و اجرای پروژه‌های مشابه، به‌ویژه از زمانی که چین توانایی نابودکردن ماهواره‌های مداری را با استفاده از تسلیحات زمینی به نمایش گذاشت (۲۰۰۷)، صحت این‌گونه ادعاها را مورد تردید قرار داده است (پروژه‌هایی مانند امضای طرح تحقیق، توسعه، آزمایش و ارزیابی تسلیحات فضایی در زمان اوباما). در همین راستا «ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا، چند روز پیش از تشکیل نوع جدیدی از نیروهای نظامی- فضایی خبر داد که ممکن است عملیات نظامی در فضای کهکشان انجام دهند. از نظر وی «همان‌طور که در زمین، هوا و آب، جنگ‌ها وجود دارد... ممکن است این اتفاق در فضا نیز به وقوع بپیوندد... به این منظور همان‌طور که نیروی هوایی، زمینی و نیروی دریایی وجود دارد، باید نیروی فضایی نیز تشکیل شود». پیش‌تر نیز کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا با تأسیس شاخه‌ای نظامی با نام «ارتش فضایی ایالات متحده» موافقت کرده بود. سپاه فضایی آمریکا که به «Space Corps» معروف است، ظاهرا در پی نگرانی‌های مقامات آمریکایی درخصوص کنترل دارایی‌های فضایی‌اش شکل خواهد گرفت. بر این اساس کشورهای رقیبی مانند چین و روسیه در حال ساخت تسلیحاتی هستند که می‌توانند امنیت فضایی آمریکا را به خطر بیندازند. اسلحه‌هایی مانند تسلیحات لیزری، تفنگ‌های ریلی الکترومغناطیسی و سلاح‌های مایکروویو که برای نابودکردن اطلاعات، ارتباطات و ماهواره‌های ناوبری ایالات متحده می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند. به‌طور خلاصه مقامات این کشور از این موضوع نگران‌اند که توانایی احتمالی دشمن برای ایجاد اختلال در شبکه ماهواره‌ای و سیستم‌های مبتنی بر داده‌های ماهواره‌ای، بتواند نیروهای آمریکا را به دوران پیش از ارتباطات ناوبری بازگرداند. با نابودشدن ارتباطات ناوبری- مخابراتی، ارتش آمریکا عملا توانایی هدایت و ناوبری نیروهایش را در هوا، دریا و زمین از دست خواهد داد و ناچار جنگ‌ها باید به شیوه جنگ‌های پیش از این فناوری‌ها هدایت شود. سیستم موقعیت‌یابی جهانی یا GPS، یک مجموعه از ماهواره‌های آمریکایی است که به‌طور مدام این اطلاعات حساس را برای هدایت و ناوبری در اختیار ارتش این کشور قرار می‌دهد. در همین راستا چندی‌پیش نیز ارتش آمریکا تمرینی را به نام «یک روز بدون فضا» انجام داد تا توانایی خود را در صورت محرومیت از این اطلاعات بسنجد. در این ارتباط هرچند ممکن است این اقدام «ترامپ» تنها پاسخی به شاخ و شانه کشیدن‌ها و قدرت‌نمایی‌های موشکی اخیر «پوتین» برای آمریکا باشد، بااین‌حال اندک تردیدی است که مقامات آمریکایی به این نتیجه رسیده باشند که چنانچه از این مهم غفلت کنند، ممکن است برتری و هژمونی جهانی خویش را از دست بدهند. هژمونی‌ای که پیش‌تر در دریا، خشکی، هوا یا با واسطه تسلیحات هسته‌ای میسر می‌شود، اکنون با برتری در فضا جست‌وجو می‌شود. به‌این‌ترتیب کسی که بتواند برتری فضایی خود را نسبت به سایر رقبا حفظ کند، می‌تواند هژمونی جهانی خویش را تثبیت کند. شرایطی که تنها با واردکردن ضربه اول از سوی هر یک از رقبا فراهم خواهد شد. بر این اساس «مایک راجرز» نماینده ایالت آلاباما که یکی از موافقان طرح ارتش فضایی آمریکاست، با اظهار شگفتی نسبت به مخالفان این طرح، بر این باور است که «با ازبین‌بردن چشم‌ها و گوش‌های آمریکا (ماهواره‌ها) از سوی روسیه و چین، امکان تسلط و برتری این کشورها وجود خواهد داشت». با این توضیح که نظریات ژئوپلیتیک به‌عنوان دانشی از رقابت و کسب قدرت؛ بر حسب زمان و تکنولوژی بخشی از بسترها و امکانات جغرافیایی را ضامن هژمونی قدرت‌ها در جهان یا لااقل بخشی از آن می‌دانند. به شکلی که زمانی تسلط بر دریاها از سوی نیروی دریایی (همچون نظریه قدرت دریایی)، زمانی برتری زمینی در بخشی از جهان (همچون نظریه هارتلند و ریملند) و زمانی دیگر برتری هوایی (نظریه قدرت هوایی) به‌عنوان کلید هژمونی جهانی مورد توجه قرار گرفته است.

روسیه ۲۳ دیپلمات بریتانیایی را اخراج کرد

گرم‌کردن تنور انتخابات با آتش تنش با غرب

کرملین روزهای شلوغ و پردردسری را سپری می‌کند؛ از یک‌سو، تنش مسکو با غرب و به‌خصوص بریتانیا بر سر سوءقصد به جانِ سرگئی اسکریپال، جاسوس دوجانبه روسی، بالا گرفته است و از دیگرِ سو، روسیه خود را مهیای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری می‌کند. بااین‌حال در داخل روسیه به نظر اوضاع چندان بر وفق مراد کرملین و پوتین پیش نمی‌رود. فقدان فضای رقابتی در نتیجه منع‌شدن برخی چهره‌های اصلی اپوزیسیون از شرکت در انتخابات، از جمله آلکسی ناوالنی باعث شده تا تنور رقابت آن‌طور که بایدوشاید گرم نشود. پوتین برای مشروع نشان‌دادن خود و همچنین قدرت‌نمایی در عرصه بین‌المللی نیازمند یک رأی بالاست؛ امری که باعث شده تا ستاد انتخابات روسیه به فکر تمهیداتی مانند برگزاری همه‌پرسی‌های محلی و قرعه‌کشی میان رأی‌دهندگان بیفتد. البته این اقدامات به نظر تا این لحظه چندان مؤثر واقع نشده‌اند. آخرین سخنرانی تبلیغاتی پوتین در کریمه نیز کمتر از دودقیقه به طول انجامید؛ این مسئله حاکی از آن است که خود پوتین نیز چندان شوروهیجانی برای مبارزات انتخاباتی ندارد.

گذشته از این رخوت عمومی، به نظر عرصه برای فعالیت گروه‌های ناظر انتخابات نیز تنگ‌تر شده است. طبق گزارش گاردین، در روزهای اخیر، پلیس روسیه در چندین مورد تلاش کرده با حمله به دفاتر گروه‌های نظارتی اقدام به ضبط مجوزهای ناظران کند. بااین‌حال روز گذشته، الا پامفیلوا، رئیس ستاد انتخابات روسیه، اعلام کرد این ستاد نه‌تنها به‌هیچ‌عنوان قصد سنگ‌اندازی در مسیر فعالیت گروه‌های ناظر را ندارد، بلکه اجازه چنین کاری را نیز نخواهد داد. در همین راستا و به منظور بالابردن اعتبار و مقبولیت انتخابات، روسیه از چندین سیاست‌مدار خارجی برای نظارت بر روند انتخابات دعوت به عمل آورده است. لئونید اسلاتسکی، رئیس کمیته روابط خارجی دوما، نیز از سفر ۳۰۰ سیاست‌مدار خوش‌نام خارجی با هدف نظارت بر انتخابات روسیه خبر داده است. از جمله این افراد نیز می‌توان از پدرو آگراموند، رئیس سابق مجمع پارلمانی اروپای اسپانیا، نام برد که سال پیش بعد از دیدار با بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، از سمت خود عزل شد.

گذشته از بحث انتخابات، روسیه در خارج از مرزهای خود نیز دچار چالش شده است. با وجود انکارهای مکرر روسیه، سران کشورهای غربی، از جمله آمریکا بر این باورند که روسیه در پشت حمله به جاسوس روس در بریتانیا بوده است؛ امری که به اخراج ۲۳ دیپلمات روس از بریتانیا انجامید. درمقابل، کرملین که نمی‌خواهد در انظار عمومی روسیه قافیه را ببازد، دست به مقابله‌به‌مثل زده و روز گذشته ۲۳ دیپلمات بریتانیایی را اخراج کرد. طبق گفته سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، این ۲۳ دیپلمات یک هفته فرصت دارند که خاک این کشور را ترک کنند. علاوه‌براین، طبق اعلام مقامات روسی، فعالیت‌های شورای بریتانیا که وظیفه تقویت ارتباطات فرهنگی میان دو کشور را نیز برعهده دارد، متوقف خواهد شد. مقامات روسی با این استدلال که این سازمان پوششی برای فعالیت‌های جاسوسی بریتانیا بوده، دست به این اقدام زده‌اند. به نظر در شرایط کنونی تنها کسی که از این تشدید تنش‌ها سود می‌برد، ولادیمیر پوتین است که خود را برای یک دوره دیگر ریاست‌جمهوری مهیا می‌کند؛ درواقع او می‌کوشد خود را به‌عنوان مدافع روسیه در برابر زیاده‌خواهی و تهاجم کشورهای غربی به تصویر بکشد. شاید این مسئله باعث شود که مردم برای حفظ ناجی خود در قدرت، پای صندوق‌های رأی حاضر شوند.

چه کسی پس از پوتین، روسیه را رهبری می‌کند

یک‌چهارم قرن حکمرانی

بهاره محبی: تقریبا همه اطمینان دارند که ولادیمیر پوتین پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری ماه مارس است. اما پرسش کلیدی این است که چه اتفاقی در شش سال آینده خواهد افتاد و اینکه آیا نظام اقتدارگرایانه‌ای که بوریس یلتسین پایه‌گذاری و پوتین آن را تقویت کرد، به حیات خود ادامه خواهد داد یا خیر؟

در سالی که جریان‌های رسانه‌ای سرشار از اخبار شوک‌کننده و خشن بود، شاید یکی از خبرهایی که کمتر از همه تعجب‌آور بود، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۷ منتشر شد: ولادیمیر پوتین بار دیگر در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت می‌کند. از ۲۰۱۲ که پوتین به کرملین بازگشت، هیچ شکی نبود که او تلاش خواهد کرد تا یک دوره شش‌ساله دیگر کرسی‌اش را حفظ کند. همچنین هیچ شکی وجود نداشت که کسی جز او پیروز انتخابات ۲۰۱۸ نخواهد بود، به ویژه اینکه کاندیداهای دیگر به جز آلکسی ناوالنی شانس زیادی ندارند.

ناوالنی فعال مدنی، نیز با وجودی که نسبت به پوتین از حمایت عمومی کمتری برخوردار بود، ۲۵ دسامبر به‌طور رسمی از حضور در انتخابات منع شد. او که به شدت مورد توجه رسانه‌های خارجی قرار گرفته بود، از طرف کمیسیون انتخابات به دلیل سوابق سوء از جمله متهم‌شدن به فساد مالی از حضور در انتخابات منع شد. ناوالنی به امید تکرار اعتراض‌های گسترده مردمی در سال ۲۰۱۲ که در اعتراض به بازگشت پوتین به قدرت برگزار شده بود، از مردم روسیه خواست ضمن تحریم انتخابات به خیابان‌ها بیایند. اما واقعیت این است که حتی اگر این جریان اعتراضی هم شکل بگیرد، تأثیری بر روند انتخابات نخواهد داشت. پوتین تمام تلاش خود را برای پیروزی حداکثری در انتخابات به کار گرفته و احتمالا تا ۲۰۲۴ در کرملین خواهد ماند. اما این حضور ماندگار چه معنایی برای روس‌ها و البته روابط روسیه با غرب خواهد داشت؛ روابطی که به واسطه اتهام دخالت روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا چندان حسنه نیست. پوتین مانند برژنف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی، نزدیک به ۱۸ سال است که رهبری روسیه را در دست دارد. اگر او موفق شود همچنان کرسی خود را حفظ کند، نزدیک به یک‌چهارم قرن بر روسیه حکمرانی کرده است. اما ماهیت نظام سیاسی که پوتین را برای این مدت طولانی در رأس نگه داشته چیست و چه مقدار از این ماهیت نظام سیاسی برگرفته از شخصیت و اولویت‌های پوتین است؟ اغلب مفسران بر این باورند که یک تفاوت بنیادین وجود دارد میان روش اداره روسیه در دهه ۱۹۹۰ و آنچه در دهه ۲۰۰۰ وجود داشت. گفته می‌شود در دهه ۲۰۰۰ به دلیل بسته‌شدن فضا و بازگشت حضور سنگین دولت، آزادی‌ها محدود شد و بازارهای مالی پویایی و نشاط خود را از دست دادند. در واقع پوتین ترکیب غریبی از پسرفت را در روسیه به اجرا گذاشته: بازگشت به عصر خودکامگی‌های اتحاد جماهیر شوروی و هم‌زمان احیای شیوه‌های استبدادی دوران تزار (استیون لی‌مایر در ۲۰۱۵ در کتاب خود با اشاره به شیوه‌های حکومتداری پوتین، وی را تزار جدید خوانده است. در حالی که دو سال پیش‌تر فیونا هیل و کلیفورد گادی او را عامل به‌جامانده از کگ‌ب در کاخ کرملین خوانده بودند). اما آنچه امروز در روسیه به عنوان «نظام پوتین» شناخته می‌شود، نه سازمانی نئوشوروی است و نه سازمانی برگرفته از نظام امپراتوری تزاری؛ بلکه نظامی است که به‌طور مشخص پس از عصر اتحاد جماهیر شوروی و در اوایل دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت و پس از سال ۲۰۰۰ توسط شخص پوتین پایه‌هایش محکم شد و تا امروز پابرجا مانده است.

این نظام را بوریس یلتسین پایه‌گذاری کرد. اما از همان زمان در ساختار سیاسی پساشوروی یک‌نقطه ضعف بزرگ وجود داشت: در حالی که کشور رسما یک ساختار دموکراتیک داشت، هر زمان که اراده رأی‌دهندگان در مقابل اولویت‌های رهبران سیاسی قرار می‌گرفت، این دموکراسی بود که در جایگاه دوم می‌ایستاد. به عنوان مثال، بخش عمده‌ای از قوانین کلیدی که اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی را ویران کرد را نه نمایندگان منتخب مردم با بررسی دقیق، که رئیس‌جمهوری تصویب کرده بود. وقتی هم که طرح «شوک‌درمانی» یلتسین با مخالفت‌های جدی روبه‌رو شد، رئیس‌جمهور در اکتبر ۱۹۹۳ برای مقابله با مخالفت نمایندگان مجلس از تانک‌های ارتش استفاده و سپس قانون اساسی جدیدی را امضا کرد که دسامبر همان سال پس از یک همه‌پرسی نمایشی تصویب شده بود. نتیجه، یک نظام جدید ریاست‌جمهوری بود که نسبت به تمام نهادهای قانونی و انتخابی بیشترین قدرت اجرائی را داشت. یلتسین نامحبوب در سال ۱۹۹۶ در انتخاباتی که (به‌زعم مخالفان) شائبه تقلب در آن وجود داشت، بار دیگر به پیروزی رسید. آناتولی چوبایس مشاور یلتسین پس از این پیروزی گفت: «دموکراسی روسی تغییرناپذیر است، مالکیت خصوصی در روسیه تغییرناپذیر است، اصلاحات بازار در دولت روسیه تغییرناپذیر است». این فهرست در اظهارات چوبایس نشان‌دهنده اسباب و لوازم دموکراسی از نگاه دولتمردان آن دوران روسیه است. به این ترتیب مدت‌ها پیش از اینکه ولادیمیر پوتین در روسیه به قدرت برسد، شکافی عمیق میان خواست‌های دموکراتیک مردم و اولویت‌های کرملین وجود داشت. دیمیتری فورمن، کارشناس علوم سیاسی روس، معتقد است نظام سیاسی که از اوایل دهه ۱۹۹۰ در روسیه بنا شده، تقلیدی از دموکراسی است. او می‌گوید: «نظام سیاسی روسیه تمام اسباب و لوازم ظاهری یک دموکراسی را دارد؛ انتخابات دوره‌ای، پارلمانی با حضور احزاب سیاسی رقیب، رسانه‌هایی به ظاهر آزاد... اما از جوهره دموکراسی خبری نیست».

پوتین این نظام سیاسی را از یلتسین به ارث برد و عمر آن را بیشتر کرد. اصلاحات بازار دهه ۱۹۹۰ تغییری نداشته و هرچند برخی از الیگارشی‌های منتخب مانند میخاییل خودورکوفسکی سلب مالکیت شده‌اند اما اصل مالکیت خصوصی تغییر چندانی نداشته است، به‌طوری که روسیه حالا ۹۶ میلیاردر دارد، افرادی که بیشترین ثروت خود را در دوره زمامداری پوتین به دست آورده‌اند. (فوربس)

این نظام گسترده که در دو دهه حضور پوتین در قدرت قوی‌تر شده، مطمئنا پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۸ نیز به حیات خود ادامه خواهد داد اما پرسش کلیدی که ذهن بسیاری از مفسران را به خود مشغول کرده، این است که پس از دوره شش‌ساله پیشرو، پوتین با محدودیت قانون اساسی برای حضور مجدد در انتخابات ریاست‌جمهوری چه خواهد کرد؟ جالب اینجاست پوتین که احتمالا برای نیم‌دهه آینده در کرملین خواهد بود، خود مردم روسیه را تشویق می‌کند که به روسیه پس از او بیندیشند.

برخی گمانه‌زنی کرده‌اند که احتمالا پوتین با پایان دوره ریاست‌جمهوری‌اش در ۲۰۲۴ قدرت را ترک خواهد کرد. سناریوی دیگری مطرح شده که احتمالا با اصلاح قانون اساسی پس از پوتین از قدرت نهاد ریاست‌جمهوری کاسته شده و برخی از اختیارات ریاست‌جمهوری به پارلمان محول خواهد شد. همچنین اختیارات نخست‌وزیری هم بیشتر خواهد شد. همچنین گرچه این امکان وجود دارد که پوتین بار دیگر مانند سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ با فاصله‌گرفتن اجباری از کرسی ریاست‌جمهوری، چهارسالی را بر کرسی نخست‌وزیری بنشیند، اما ناظران احتمال تکرار این سناریو را بعید می‌دانند. نزدیک به یک دهه پیش، زمانی که دومین دور ریاست‌جمهوری پوتین به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شد، گمانه‌زنی‌های مشابهی وجود داشت مبنی بر اینکه او ممکن است قانون اساسی را برای رفع این محدودیت اصلاح کند یا نوعی نظام پارلمانی ایجاد کند. پوتین در نهایت هیچ‌یک را انجام نداد و تنها به مدت چهار سال کرسی خود را در اختیار دیمیتری مدودف قرار داد و سپس برای دو دوره شش‌ساله (که نتیجه اصلاح قانون اساسی بود) به جایگاه خود بازگشت.

آنچه پوتین در ۲۰۲۴ انجام خواهد داد تا حدودی به این مسئله بستگی دارد که او بازنشستگی خود را چطور ببیند. با نگاهی به گذشته رهبران اتحاد جماهیر شوروی و پساشوروی می‌شود گفت او با دشواری‌های زیادی روبه‌رو نخواهد شد. گذشته از خروشچف که پس از کنارگذاشته‌شدن از قدرت سال‌های پایانی عمر خود را به سختی گذراند، افرادی مانند گورباچف با وجودی که به دلیل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نفوذ سیاسی خود را از دست دادند اما شرایط قابل قبولی دارند. یلتسین هم به واسطه شخص پوتین دوران بازنشستگی خود را در آرامش گذراند. در سال ۱۹۹۹ اولین اقدام پوتین به عنوان رئیس‌جمهور پس از استعفای غیرمنتظره یلتسین در شب سال نو این بود که به یلتسین مصونیت قضائی بدهد. اما آیا کسی هست که این کار را برای پوتین انجام دهد؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید دید نظام سیاسی امروز روسیه تا چه اندازه به شخص پوتین وابسته است. بخش زیادی از نگرانی نخبگان روسیه نسبت به فردای انتخابات ۲۰۲۴ احتمال فروپاشی ساختار نظامی حاکم بر این کشور در غیاب شخصیت کاریزماتیک است. شاید سیاستمداران زیادی هستند که می‌توانند به همان روش پوتین روسیه را اداره کنند؛ از مدودف گرفته تا ویاچسلاو ولدین، نزدیک‌ترین متحد پوتین و سرگئی شویگو وزیر دفاع فعلی روسیه. اما مسئله اصلی این است که آیا «نظام پوتین» که در فضای امروز روسیه با مشکلات زیادی روبه‌روست، می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

روسیه در اوایل دهه ۲۰۰۰ به لطف افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی رشد اقتصادی خوبی داشت که باعث شد رکود عمیق به‌جامانده از دهه ۱۹۹۰ را پشت سر بگذارد. بالارفتن قیمت نفت به پوتین این فرصت را داد تا بدهی‌های روسیه را بپردازد و حقوق کارمندان، کارگران و بازنشستگان را به‌موقع پرداخت کند. همین مسئله یکی از عوامل محبوبیت پایدار او در افکار عمومی روسیه بوده است. اما حالا چندسالی است که اقتصاد روسیه از روزهای اوج خود فاصله گرفته است. اقتصاد این کشور به واسطه بحران جهانی اقتصاد در ۲۰۰۸ به شدت آسیب دید. این دشواری‌ها با کاهش شدید قیمت نفت و تحریم‌های غربی علیه روسیه در ۲۰۱۴ بیشتر هم شد. از آن زمان قیمت نفت کمی بالا رفته و برخی بخش‌های اقتصادی روسیه از جمله کشاورزی پیشرفت خوبی داشته‌اند. ولی در مجموع شرایط همچنان شکننده است.

اما آنچه در این میان شرایط را بدتر کرده، تشدید تنش‌های روسیه با غرب به‌ویژه ایالات متحده است. امروزه احساسات ضدروسی در آمریکا و حتی اروپا به دلیل اتهام دخالت روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ ایالات متحده به نفع دونالد ترامپ بسیار زیاد شده است. نگران‌کننده‌تر این است که خصومت با روسیه در محافل سیاست‌گذاری آمریکا به مراحل خطرناک و بازگشت‌ناپذیر برسد.

در این میان به نظر می‌رسد کرملین آشکارا به دنبال راهی برای کنارآمدن با مشکلات اقتصادی و شرایط نامساعد بین‌المللی است. توسعه روابط سیاسی و تجاری با چین شاید یکی از این راه‌حل‌ها باشد که از وابستگی روسیه به صادرات نفت و گاز به اروپا می‌کاهد.

در مجموع با توجه به شرایط موجود بعید است پوتین در دوره بعدی ریاست‌جمهوری‌اش وعده یک ترک سریع از قدرت را دهد؛ به‌ویژه اینکه بسیاری از پروژه‌های اقتصادی که نقشی حیاتی در اقتصاد روسیه دارند، نیازمند ثبات در فضای سیاسی هستند.

گرچه برای هرگونه حدس و گمانی درباره سرنوشت نظام سیاسی روسیه زود است اما می‌توان گفت چگونگی وقوع رویدادها در نهایت به دو چیز بستگی دارد: نگرش نخبگان روسیه و قدرت سازمانی و چشم‌انداز جنبش‌های مخالف. درباره مورد اول (دیدگاه نخبگان) باید گفت از آنجا که نظام سیاسی پوتین همواره به نفع نخبگان عمل کرده، بنابراین کوچک‌ترین دلیلی برای رهاکردن آن ندارند. در اینجا یک تفاوت فاحش میان روسیه امروز و اتحاد جماهیر شوروی وجود دارد. در شرایطی که نظام سیاسی اتحاد جماهیر شوروی به روزهای سقوط خود نزدیک می‌شد، بسیاری از نخبگان آن می‌توانستند شوروی را به مقصد کشورهای تازه‌تأسیس ترک کرده و با اموال و دارایی خود زیر پرچم کشور دیگری تجارت کنند اما این شرایط امروز وجود ندارد. جنبش‌های اپوزیسیون نیز هنوز ضعف‌های جدی دارند و به لحاظ قدرت سازمانی، منابع مالی و نفوذ سیاسی قادر به مقابله با پوتین و نظام سیاسی او نیستند. از این منظر هیچ تهدید نظام‌مند سیاسی، نظم موجود روسیه را تهدید نمی‌کند. با این حال از نظر اجتماعی، چشم‌اندازها تا این حد روشن نیست. با وجودی که کرملین هنوز از محبوبیت نسبی در افکارعمومی روسیه به‌ویژه کارکنان بخش‌های دولتی برخوردار است، در چند سال اخیر جنبش‌های اعتراضی در اقصی نقاط روسیه سر برآورده است که گرچه کوچک و پراکنده هستند اما از درون همین حرکت‌های پراکنده و متنوع است که جایگزینی برای نظام سیاسی پوتین می‌تواند شکل بگیرد و در آن صورت است که می‌توان راهی متفاوت برای سازماندهی سیاست، اقتصاد و جامعه روسیه تصور کرد. به نظر می‌رسد چهارمین دور ریاست‌جمهوری پوتین عصر ایستایی برای نظام حاکم باشد برای مخالفان، اما شاید فرصتی باشد برای آغاز یک حرکت.

رویداد

فرانسه، سوریه را تهدید کرد

● رئیس ستاد مشترک ارتش فرانسه تأکید کرد اگر سوریه از خط قرمزی که رئیس‌جمهور این کشور برای استفاده از مواد شیمیایی مشخص کرده، پا را فراتر بگذارد، پاریس به تنهایی به سوریه حمله خواهد کرد. به گزارش ایسنا، به‌نقل از روسیاالیوم، ژنرال فرانسوا لوکوانتر، رئیس ستاد مشترک ارتش فرانسه گفته است که فرانسه و آمریکا درباره وضعیت سوریه و خطر فراتررفتن از خطوط قرمز استفاده از سلاح شیمیایی هم دیدگاه مشترکی با یکدیگر دارند. مکرون همچنین سال ۲۰۱۷ اعلام کرد هرگونه استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه، فرانسه را به واکنش فوری وادار می‌کند. ریاست‌جمهوری فرانسه اوایل ماه میلادی جاری تأکید کرد پاریس و واشنگتن درصورتی‌که اطمینان یابند سوریه از سلاح شیمیایی استفاده می‌کند، با هماهنگی کامل پاسخی قاطع خواهند داشت. این در حالی است که وزارت دفاع روسیه گزارش‌ها درباره استفاده دمشق از سلاح شیمیایی در غوطه شرقی را تکذیب می‌کند و آن را توجیهی برای تشدید مجازات علیه سوریه می‌داند.

ادامه حملات انتحاری طالبان در کابل

● سیر حملات تروریستی در کابل و کشتار غیرنظامیان ادامه دارد. در حمله‌ای انتحاری، انفجار یک خودروی بمب‌گذاری‌شده در کابل جان دست‌کم سه غیرنظامی را گرفت و چندین نفر دیگر را زخمی کرد. طالبان مسئولیت این انفجار را پذیرفت. وزارت داخله افغانستان اعلام کرد که حمله انتحاری شنبه (دیروز) علیه مأموران امنیتی کمپانی G4S، یک شرکت چندملیتی خدمات امنیتی، رخ داد، اما به آنها آسیبی وارد نکرد، بلکه شهروندان عادی را از پای درآورد. این حمله در ساعتی رخ داد که کارمندان و کارگران در نخستین روز کاری هفته به محل کار می‌رفتند. هرچند این خودرو به سمت مقر G4S در حرکت بود، اما پیش از رسیدن به آن منفجر شد. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، پس از این حمله مسئولیت آن را برعهده گرفت. او در پیامی از طریق واتس‌اپ برای روزنامه‌نگاران مدعی شد که مهاجم انتحاری کاروان «سربازان خارجی» را هدف گرفته است: «همه اشغالگران کشته شدند». این حمله هم‌زمان با افزایش فشارها بر طالبان برای آغاز گفت‌وگوهای صلح با دولت این کشور رخ می‌دهد و چهارمین حمله انتحاری به کابل در سه هفته اخیر است.

۱۶ کشته در حمله هوایی ترکیه به بیمارستان عفرین

● گروه ناظر حقوق بشر سوریه، مستقر در لندن، می‌گوید حمله هوایی ترکیه به بیمارستان اصلی عفرین، در شمال سوریه، دست‌کم ۱۶ کشته برجای گذاشته است. خبرگزاری فرانسه می‌گوید؛ هلال‌احمر کردستان که اداره بیمارستان را برعهده دارد، هدف قرارگرفتن بیمارستان را تأیید کرده، اما هنوز آماری از تلفات نداده است. درهمین‌حال، رامی عبدالرحمان، مدیر گروه ناظر حقوق بشر سوریه که مقر آن در بریتانیاست، گفته: «۱۶ نفر، از جمله دو زن باردار در جریان این حمله کشته شده‌اند». باوجوداین گفته شده هیچ‌یک از کارمندان بیمارستان و کادر پزشکی این مرکز در میان کشته‌شدگان نیستند. یکی از مدیران هلال‌احمر کردستان به خبرگزاری فرانسه گفته است که بیمارستانی که هدف قرار گرفته، تنها بیمارستان عفرین بوده که هنوز دایر مانده است.

شورشیان غوطه شرقی با روسیه مذاکره می‌کنند

● گروه‌های مخالف در غوطه شرقی، از جمله جیش‌الاسلام، فیلق الرحمن و احرارالشام در بیانیه مشترکی که از سوی مخالفان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، آمادگی خود را برای اجرای قطع‌نامه‌های بین‌المللی و ورود کامل به روند سیاسی اعلام کردند. به گزارش ایسنا، به نقل از سایت خبری سیریانیوز، گروه‌های مسلح آمادگی خود را برای مذاکره مستقیم با مسکو در ژنو تحت نظارتی بین‌المللی اعلام کردند. در بیانیه مشترک گروه‌های جیش‌الاسلام، فیلق الرحمن و احرارالشام آمده است که بر اجرای کامل قطع‌نامه ۲۴۰۱ و ورود به روند سیاسی با استناد به قطع‌نامه‌های بین‌المللی تأکید دارند.

آگهی اخطار

وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور

خانم معصومه زنگنه (۳۹۴۳۶۷۹۲۷۰۹)
کارمند: اداره امور مالیاتی شهر و استان تهران

نظر به اینکه در اجرای رای شماره ۳/۹۶/۴۵۷هـب مورخ ۹۶/۱۰/۲۶ صادر از شعبه سوم هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری سازمان امور مالیاتی کشور به مجازات ((اخراج از دستگاه متبوع)) محکوم شده اید .
بدینوسیله مفاد رای مزبور به شما ابلاغ می گردد ضمنا رای مذکور قابل تجدید نظر می باشد و در صورت اعتراض حداکثر ظرف مدت ۳۰ روز پس از نشر آگهی اعتراض خود را به تهران ،میدان امام خمینی (ره) خیابان داور سازمان امور مالیاتی کشور اداره کل منابع انسانی و رفاه (امور قضایی) تسلیم نمایید ، در غیر اینصورت به استناد تبصره ۱ ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری این رای از تاریخ انقضاء مهلت مذکور لازم الاجرا خواهد بود .

م الف ۴۳۵۰